



محض ورود خانواده پرهام روی سرم ریختند و مرا به شدت کتک زدند. این گزارش حاکی است با توجه به نظر پزشکی قانونی برخی از اعضای این زن جوان باید موارد اعمال جراحی قرار گیرد در حالی که خانواده پرهام به طلاق اصرار دارند، این پرونده با دستور سرگرد جواد یعقوبی (رئیس کلانتری طبرسی شمالی) در دایره مددکاری اجتماعی مورد بررسی های کارشناسی قرار گرفت.

حال پرهام و خانواده‌اش آن قدر به پدرم توهین کردند که او به ناچار یک سیلی به گوش پرهام زد و آن‌ها نیز پدرم را کتک زدند. در این شرایط من تقاضای طلاق دادم و از دادگاه درخواست کردم همسرم از نظر سلامت روحی و روانی مورد معاینات پزشکی قرار بگیرد ولی او نیز به اتهام عدم تمکین از من شکایت کرده بود، به همین دلیل ناعاقلانه من راضی به این ازدواج شد ولی باز هم مرا در پناه خودش گرفت و تلاش کرد بین ما وساطت کند. با این

رضایت دادم و با وجود مخالفت های پدرم پای سفره عقد نشستم. در همان روزهای آغاز دوران نامزدی پرهام اصرار داشت هر چه زودتر زندگی مشترک مان را آغاز کنیم او در همین مدت خواسته های نامعقول و زننده ای از من داشت و مدعی بود باید برای اثبات «دوست داشتن» آن‌ها را تحمل کنم. هنوز چندماه بیشتر از مراسم عقدکنان سپری نشده بود که رفتارهای غیرعادی و سادیسیم گونه پرهام مرا دچار بیماری های خاصی کرد ولی باز هم چون فکر می کردم پرهام همسرم است و باید رضایت او را جلب کنم، همه این شکستجه های جسمی و روحی را تحمل می کردم تا این که به حدی سلاستی ام به خطر افتاد که این رفتارهای نامعقول به اختلافات شدید بین من و پرهام تبدیل شد. با این حال با وساطت بزرگ ترها من تجهیزیه ام را به مشهد آوردم و در طبقه پایین منزل مادر شوهرم ساکن شدم. در حالی که فقط ۶ ماه از دوران نامزدی ما می

گذشت، یک شب در میان بهت و نابوری، پرهام با عقدنشستم. در همان روزهای آغاز دوران نامزدی پرهام اصرار داشت هر چه زودتر زندگی مشترک مان را آغاز کنیم او در همین مدت خواسته های نامعقول و زننده ای از من داشت و مدعی بود باید برای اثبات «دوست داشتن» آن‌ها را تحمل کنم. هنوز چندماه بیشتر از مراسم عقدکنان سپری نشده بود که رفتارهای غیرعادی و سادیسیم گونه پرهام مرا دچار بیماری های خاصی کرد ولی باز هم چون فکر می کردم پرهام همسرم است و باید رضایت او را جلب کنم، همه این شکستجه های جسمی و روحی را تحمل می کردم تا این که به حدی سلاستی ام به خطر افتاد که این رفتارهای نامعقول به اختلافات شدید بین من و پرهام تبدیل شد. با این حال با وساطت بزرگ ترها من تجهیزیه ام را به مشهد آوردم و در طبقه پایین منزل مادر شوهرم ساکن شدم. در حالی که فقط ۶ ماه از دوران نامزدی ما می

به خانواده ها معرفی می شوند. بالاخره پس از پایان تحصیلات وقتی به قوجان باز گشتم، پرهام را به من معرفی کردند که زن عموی او در رشته پرستاری تحصیل می کرد. وقتی برای آشنایی با یکدیگر قرار گذاشتیم پرهام مدعی شد در رشته مهندسی راه و ساختمان تحصیل کرده است ولی زن عمویش نام او را در گروه تحصیل کردگان علوم پزشکی نوشته بود. با این حال من اهمیتی به موضوع ندادم و به پیشنهاد اطرافیانم به یک جلسه مشاوره ای رفتم. مشاوران آن مرکز تشخیص دادند که من و پرهام زیاد برای ازدواج با یکدیگر مناسب نیستیم ولی او و خانواده اش دست بردار نبودند و ادعای می کردند این گونه مشاوره ها زیاد قابل اعتماد نیستند و نمی توانند در چند جلسه مشاوره موضوع به این مهمی را به درستی تشخیص دهند.

**گسره حوادث** - نو عروس جوان با لباس عروس به کلانتری رفت. زین ۲۵ ساله که مدعی بود توسط خانواده شوهرش مورد کتک قرار گرفته است در حالی که لباس عروس به تن داشت درباره قسه زندگی اش به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری طبرسی شمالی مشهد گفت: تک دختری یک خانواده ۵ نفره هستم که دو برادر کوچک تر از خودم دارم.

**نقش پردازی در سایت همسرایی** پدرم یک شرکت بزرگ خصوصی را اداره می کند و نظر مالی وضعیت مناسبی دارم. من برای تحصیل در یکی از رشته های زیرمجموعه پزشکی از قوجان به مشهد آمدم و تحصیلاتم را در یکی از دانشگاه های مشهد ادامه دادم ولی در ترم پایانی علوم آزمایشگاهی بودم که به پیشنهاد یکی از دوستانم در یکی از سایت های همسرایی ثبت نام کردم چرا که در آن سایت ادعا شده بود فقط افراد تحصیل کرده در گروه های پزشکی

## سرنوشت تلخ یک دختر فراری



**گسره حوادث** - دختر نوجوان می گوید عمه اش سرپرست اوست اما دوست ندارد در خانه او بماند و می خواهد با مادرش زندگی کند. ستاره وقتی خیلی کودک بود پدرش را از دست داد و عمه اش به خاطر فرار از خانه بازداشت شده است. این دختر نوجوان از زندگی اش می گوید.

**\*چرا از خانه فرار کردی؟**  
آنجا خانه من نیست، من دوست ندارم با عمه ام زندگی کنم

**\*پدر و مادرت کجا هستند؟**  
وقتی دو ساله بودم پدرم فوت کرد و مادرم هم مرا رها و شوهر کرد. مدتی در بهزیستی بودم و بعد هم عمه ام سرپرستی مرا قبول کرد.

**\*چرا دوست نداری با عمه ات زندگی کنی؟**  
احساس خوبی ندارم. عمه ام آدم خوبی است اما من فکر نمی کنم آنجا خانه من است.

**\*می خواهی کجا زندگی کنی؟**  
می خواهم پیش مادرم باشم.

**\*اما می گویی او تو را ترک کرده است.**  
شاید اگر بدانند من خانه ای ندارم، قبول کنند با او زندگی کنم

**\*می دانی چرا مادرت تو را به بهزیستی سپرد؟**  
آنطور که از عمه ام شنیدم، او قصد ازدواج داشته و به همین خاطر مرا به خانواده پدرم داده چون خانواده پدرم از من نگهداری نکردند مرا به بهزیستی برده است، بعد عمه ام مرا از بهزیستی تحویل گرفته و بزرگ کرده است.

**\*با این حال فکر می کنی مادرت تو را قبول کند؟**  
نمی دانم اما امیدوارم این کار را بکند.

**\*نمی خواهی پیش عمه ات باشی؟**  
اگر مادرم مرا قبول نکند چاره ای ندارم.

**\*مادرت فرزند دیگری دارد؟**  
بله از شوهرش دو پسر و یک دختر دارد.

**\*رفتار آنها با تو چطور است؟**  
رفتار خوبی داشتند، البته ماصمیمی نیستیم.

**\*با مادرت تماس گرفته ای؟**  
قاضی گفته با او تماس می گیردم من هم منتظر مادرم هستم.

## شلیک مرگ به مدیر بانک در خیانت زنانه!



این متهم در ادامه اعتراف به شلیک مرگبار، در اظهاراتش مدعی شد از چند ماه قبل هنگام تردد در مترو با زن ۴۰ ساله ای به نام شقایق آشنا شده است: «دوستی ما ادامه پیدا کرد تا جایی که به خانه شقایق می رفتم و بعد از چند ماه متوجه شدم شقایق شوهر دارد، وقتی به او اعتراض کردم مدعی شد همسرش مشکلی با رابطه ما با هم ندارد.

مدتی گذشت و شقایق پیشنهاد شرم آوری را مطرح کرد که خونم به جوش آمد. او گفت شوهرش خواسته در مقابلش رابطه داشته باشیم، از طرفی متوجه شدم شوهر شقایق از من شکایت کرده است، سر این ماجرا بود که اسلحه کلت را با پرداخت ۶۰ میلیون تومان خریداری کردم و بعد به

سراغش در خانه اش رفتم و با کشیدن ماشه به زندگی اش پایان دادم.»

این اظهارات صراحتاً بر اساس اظهارات خود متهم و صحت کامل آن تأیید نشده است و تحت بررسی قرار دارد.

سرسرنگ مهدی حاج حمدی رئیس دایره جنایی استان البرز درباره این پرونده به خبرنگار «ایران» گفت: هم اکنون همسر مقتول نیز بازداشت شده است و تحت بازجویی فنی قرار دارد.

**گفت و گو با قاتل عاشق پیشه**

**چند سال داری؟**  
۳۱ سال.

**به چه اتهامی بازداشت شدی؟**  
به خاطر قتل.

**چرا آدم کشتی؟**  
وقتی فهمیدم شوهر زن مورد علاقه ام از من شکایت کرده و ماجرا الیورفته است سراغش رفتم و او را کاشتم.

**او را چطور کشتی؟**  
از قبل تفنگ خریدم، به هم خانهاش رفتم و با شلیک گلوله او را کاشتم.

**تفنگ را از کجا آوردی؟**

مردی بعد از رابطه شیطانی با همسر یکی از مدیران ارشد بانک، او را مقابل خانه اش هدف گلوله قرار داد و به قتل رساند. رسیدگی به این پرونده از ۱۳ اسفند سال گذشته از وقتی کلید خورد که یکی از مدیران ارشد بانک به طرز مرموزی مقابل خانه اش با شلیک گلوله مردی ناشناس که نقاب سیاه روی صورتش کشیده بود به قتل رسید.

خیلی زود تیمی از کارآگاهان جنایی البرز به دستور بازپرس محمد عنبری برای زدگشایی از این پرونده مرموز تشکیل شد و در نخستین گام قاضی پرونده دستور داد جسد مرد ۵۰ ساله به پزشکی قانونی منتقل شود.

داستان عجیب زن مرموز

در گام بعدی تحقیقات کارآگاهان با بازجویی از اطرافیان مقتول از سر گرفته شد و این در حالی بود که زن قربانی جایزیت داشت با داستانی هایش مسیر پرونده را تغییر دهد و در بازجویی های پلیسی ادعا کرد شوهرش با همکارانش در بانک اختلاف داشته و به تنها افرادی که می تواند مظنون باشد همکاران همسرش است.

این ادعا در حالی بود که کارآگاهان با اقدامات میدانی و تحقیقات بیشتر و تحت نظر قرار دادن بیشتر زن جوان توانستند راز این جنایت مرموز را فاش کنند.

تحقیقات فنی و کنترل تماس های همسر مقتول به نام شقایق که ۴۰ سال سن دارد باعث ظن پلیس شد، اما این موضوع به تنهایی نمی توانست کارگشا باشد بنابراین کارآگاهان تصمیم گرفتند باز دیگر شقایق را پشت میز بازجویی بنشانند و این بازجویی سرانجام به نتیجه رسید و زن خائن، قاتل شوهرش را که مرد جوانی بود لو داد.

**بازداشت تیرانداز نقابدار**

فرشاد ۳۱ ساله کسی که از چند ماه قبل با همسر مقتول رابطه داشت خیلی زود بازداشت شد و در بازجویی های پلیسی و زمانی که در تناقض گویی هایش گرفتار شده، به ناچار لب به سخن گشود و به قتل شوهرش شقایق اعتراف کرد.

## نیازمندیهای روزانه جزیره کیش

تلفن ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶) سایت: www.eghtesad-kish.ir

### مفقودی

اصل کارت کیشوندی به شماره ۱۶۸۲۳۷/۰۱ به نام نسرين نصرالله زاده مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

### نیازمندیهای اقتصاد کیش

۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۳۹۱۰

### خشکشویی

**خشکشویی طلوع** در اسرع وقت با تضمین و کیفیت عالی همراه با پیک تحویل آدرس : مجتمع خدماتی طلوع، روبروی برجهای طلایی و بازار کوروش ۰۹۳۴۷۶۹۷۵۸۸ - ۰۹۱۷۶۱۳۷۵۴۳ با مدیریت عسکری

### صنایع چوب

**شرکت کهن چوب** تولیدکننده انواع درب های چوبی برای کلیه پروژه ها مسکونی ، تجاری ، هتلی ، و اداری جزیره کیش درخت سبز صنعت ۲ پلاک ۴۳ تهران شهرک صنعتی چهار دانگه ۰۹۳۴۷۶۹۹۱۸۶ - ۰۷۶۴۴۴۷۳۱۳۹ [www.kohanchoob.ir](http://www.kohanchoob.ir)

**شرکت چوب سازان آداک صنعت کیش** ساخت انواع منسوجات چوبی ، کابینت، ترمو وود.....شو روم بازار پادنا ۰۹۳۴۷۶۹۲۵۵۸

**صنایع چوب حلاج کیش** کلیه سفارشات MDF، چوبی دکوراسیون غرفه و منزل تلفن ۷۶۹۸۲۵۲

### خدمات

**خدمات تاسیسات آب و لوله کشی** جزئی و کلی مجتمع های اداری مسکونی - خدماتی - تجاری رضایی ۰۹۳۴۷۶۹۳۶۲۴

**خدمات برق** انجام کلیه امور برق ساختمان و پروژه های شما - کلی و جزئی ۰۹۱۲۰۴۵۹۱۹۸

**دوربین های مدار بسته** درب های اتوماتیک **دارکوب** ۰۹۱۲۹۴۲۴۰۲۲

### حمل کالا

**حمل و جابجایی کالا** با ۶ چرخ در سطح جزیره ۰۹۳۴۷۶۹۴۷۲۰

### استخدام

به تعدادی کارگر ساده جهت کار پاره وقت **بعنوان پیک موتوری نیازمندیم.** ۴۴۴۲۴۹۹۹

**استخدام نیروی خدماتی** یک شرکت برای تکمیل نیروهای مورد نیاز خود، نیروی خدماتی ساکن کیش استخدام می نماید. متقاضیان با شماره ۰۷۶۴۴۴۲۰۲۸۴ تماس حاصل فرمایند.

**دعوت به همکاری از یک نفر خانم علاقمند به فعالیت در حوزه بازاریابی تبلیغاتی جهت همکاری با یک شرکت دعوت به همکاری می شود.** تلفن هماهنگی: ۴۴۴۲۰۲۸۴

**استخدام کارمند امور اداری خانم** یک شرکت برای تکمیل نیروهای مورد نیاز خود، کارمند امور اداری آشنا به کامپیوتر استخدام می نماید. متقاضیان با شماره ۰۷۶۴۴۴۲۴۹۹۹ تماس حاصل فرمایند.

# صنایع چوب حلاج کیش

کلیه سفارشات چوبی، MDF، چوبی دکوراسیون غرفه و منزل تلفن: ۷۷۹۸۲۵۲